

چکیده:

هرگاه پدیده ای در اثر تحول تاریخی خاص خود، دچار دگرگونی گردد، شکل تازه پدید آمده از انسجام، نظم و همبستگی جدیدی که از سازمان کهن بیرون می آید برخوردار می گردد. در دگرگونی های اخیر جامعه، شهر به مثابه تبلور کالبدی این دگرگونی ها از این دگردیسی بازمانده است. دگرگونی های اخیر شهرها، باعث شکل گیری روابط فضائی - کالبدی تازه ای شده که در تعارض کامل با آنچه شهروند طلب می کند، نماد بارز این تعارض را در شهر کهن می توان دید. به نظر می رسد شهر کهن در زمان و مکان خویش منجمد شده و پس از آن نیز فرسودگی خود را آغاز کرده است.

فرسودگی بناها و گستره ها در نابرابری میان خدماتی که بافت عرضه می کند و نیازهای امروزی نمود می یابد، باززنده سازی مستلزم سازگار کردن این نابرابری است. بافت تاریخی تبریز مجموعه ای از محلات قدیم این شهر است که در اطراف بازار تاریخی شهر شکل گرفته است، آثار فرسودگی در جای جای این بافت تاریخی به چشم می خورد. ولی آنچه بیش از همه چشمها را خیره می کند، فرسودگی گسترده محله میارمیار است. محله میارمیار و گذر اصلی آن "پاساژ" چه در سالهای پیش از دهه اول ۱۳۰۰ که با بافت پیرامون خود کلیتی یکپارچه داشت و چه در سالهای بعد که به عنوان یک بلوک شهری مجزا درآمد به علت سکونت جماعت مسیحیان آسوری، وجود کلیساهای متعدد، استقرار ۳ کنسولگری از ۴ کنسولگری دایر در تبریز و نزدیکی به بازار و ارک حکومتی از موقعیت ممتازی برخوردار بود. اما در پی دگرگونی های ناشی از جنگ جهانی - دوم و خروج اتباع خارجی و مهاجرت چشمگیر متجددین اعتبار این بلوک نیز کاهش یافت و از سالهای میانی دهه ۱۳۲۰ در یک سیر قهقراپی به یکی از کم اعتبارترین بخش های شهر بدل گردید.

در چنین شرایطی تلاش برای رسیدن به راهکاری مناسب برای باززنده سازی این بلوک به عنوان بخشی از محله میارمیار و با هدف رفع فرسودگی کالبدی و کارکردی، حل مشکلات رفتاری و اجتماعی موجود و ارتقا کیفیت فضائی آن با اقداماتی چون احیا و تقویت استخوان بندی محله، بازسازی فضاهای عمومی و عناصر از دست رفته آن، بازتولید و بازسازی کارکردی که باعث تداوم حیات این محله خواهند شد امری مهم و ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: پاساژ، باززنده سازی، تجدید ساختار، استخوان بندی، فضاهای عمومی